

سه‌شنبه • ۱۳ بهمن ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۱۱ • ۹	
روزنامه	
جهان	
بیداری در سایه جنون	صفحه ۱۰
سعی کنیم تولیدکننده علم باشیم، نه مصرف‌کننده	صفحه ۱۱
گرانی محافظ بهداشتی، معنادان و بیماران را تهدید می‌کند	صفحه ۱۲

نگاه
 همه مخالفان «ترامپ»
با نزدیک‌ترشدن مراحل انتخاباتی، به‌زودی احزاب آمریکا باید تکلیف کاندیدهای نهایی خود را مشخص کنند. آیا «هیلاری کلینتون»، نامزد حزب دموکرات خواهد شد و آیا حزب جمهوری‌خواه «دونالد ترامپ» را به‌عنوان نامزد نهایی حزب معرفی خواهد کرد؟ فقط بعد از آن مرحله است که نامزدهای رسمی دو حزب می‌توانند به مبارزه نهایی انتخاباتی بپردازند و یکی از آن دو رئیس‌جمهور آینده ایالات متحده آمریکا شود دراین‌میان کم‌کم دارد پای کاندیداهای مستقل هم به میان کشیده می‌شود. در دوره‌های قبل «تی‌پارتی» با «باراک اوباما» رقابت می‌کرد اما درنهایت آرای آنان به نفع نامزد جمهوری‌خواهان بود. در انتخاباتی که در پیش است، به نظر می‌رسد «مایکل بلومبرگ»، شهردار سابق شهر نیویورک، هم در حال ورود به مسابقه است. به‌این‌ترتیب یک میلیارد دیگر به رقابت با دونالد ترامپ برمی‌خیزد. گفته می‌شود بلومبرگ چهاردهمین ثروتمند آمریکایی است و تخمین زده می‌شود ۳۶ میلیارد دلار ثروت داشته باشد. دونالد ترامپ بین دو تا پنج میلیارد است گرچه خودش ادعا می‌کند ۱۰ میلیارد دلار ثروت دارد. بلومبرگ ۷۳‌ساله است. برای رقابت‌های انتخاباتی برای مقام شهرداری نیویورک ۲۵۰ میلیون دلار خرج کرد. عقاید لیبرالی دارد. موافق قوانین محدودکننده اسلحه است و می‌خواهد یک‌میلیارد دلار از ثروت شخصی خودش را صرف مبارزات انتخاباتی کند. او تا ماه مارس فرصت دارد تصمیم بگیرد. گرچه نمی‌توان پیش‌بینی کرد سرنوشت این مسابقه به کدام سمت می‌رود، اما برخی گمانه‌زنی‌ها، بلومبرگ را رقیبی برای ترامپ و برخی دیگر او را موجب تضعیف هیلاری کلینتون می‌دانند. «گلن بک»، محافظه‌کار و مجری برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی شناخته‌شده‌ای است که تفسیرها، نوشته‌ها و فیلم‌هایش مورد توجه بسیاری از آمریکایی‌هاست. او می‌نویسد: در خلال انتخابات سال ۲۰۰۸، آمریکا با بحرانی مواجه بود که از سال‌ها قبل درباره آن صحبت می‌شد؛ دستگاه دولت فدرال بزرگ‌تر و بزرگ‌تری می‌شود و سیستم ایالت‌ها در درون این دولت بزرگ به تحلیل می‌رود. باراک اوباما از این ضعف بزرگ دولت که گاهی از آن به‌عنوان «واشنگتن» هم نام برده می‌شود، آگاه بود و توانست کاندیداتوری حزب دموکرات را به دست بیاورد چون وعده داد با این پدیده مبارزه خواهد کرد.
هرکسی در ایالات متحده با این نظر موافق بود که باید درباره بزرگ‌شدن «واشنگتن» چاره‌ای اندیشید. برخی معتقدند محافظه‌کاران جمهوری‌خواه مایل نبودند با «واشنگتن» درگیر شوند و بنا بر این یا باید در خانه می‌ماندند یا اینکه فقط به جمهوری‌خواهان پیش‌رو رای می‌دادند. نتیجه این شد که از درون پرسوه مبارزات یک‌ساله انتخاباتی ایالات متحده، پدیده «تی‌پارتی» به صورت یک جنبش ظاهر شد که تواناهای تبعیت کامل از قانون اساسی آمریکا، کاهش هزینه‌های دولت و کاهش مالیات بود تا به هدف نهایی یعنی کاستن از بدهی ملی، کاستن از بودجه فدرال و جلوگیری از بزرگ‌شدن دولت برسد. ولی چنین نشد و باراک اوباما برنده سابقه شد و به ریاست‌جمهوری ایالات متحده رسید. البته ظهور «تی‌پارتی» به‌دلیل این نبود که اوباما بر مخالفان خود فائق آمد، بلکه اوباما چون اپوزیسیون قوی‌ای نداشت در مسابقات انتخاباتی پیروز شد و به کاخ سفید راه یافت.
به عقیده «مونا کارن»، ستون‌نویس «نشنال‌ریویو» و تحلیلگر سیاسی، دونالد ترامپ اصولا محافظه‌کار نیست و افکارش به محافظه‌کاران نمی‌خورد. در گذشته او به‌دفعات از اندیشه‌های محافظه‌کاران فاصله گرفته و در مسائل دفاعی، سهمیه نژادی، سقط جنین، مالیات، بیمه‌های اجتماعی و مهاجرت با آنان تفاوت دارد. باین‌همه در ماه دسامبر ۲۰۱۵، با بررسی آمار، افکار عمومی متوجه شد دونالد ترامپ در میان جمهوری‌خواهان چیزی حدود ۳۶ درصد طرفدار دارد. البته منظور آن دسته از جمهوری‌خواهانی است که برایشان انتخاب از میان «محافظه‌کارترین» کاندیداها بالاترین اولویت را دارد.
مونا کارن معتقد است مقبولیت عام دونالد ترامپ چیز خوبی است. هدف سیاست‌محور و داخلی پرزیدنت اوباما این بود که طبقات کارگر و متوسط را به سمت چپ هدایت کند. تصور او این بود وقتی چنین طبقاتی از محل بدل و بخشش‌های توزیع مجدد دولتی برخوردار شوند، سعی می‌کنند آن را حفظ کنند و همین امر موجب حفظ قدرت سیاسی چپ می‌شود. ظهور دونالد ترامپ نشان داد برنامه اوباما برای هدایت طبقه متوسط به سمت چپ اثر نمی‌کند و مردم فکر نمی‌کنند چنین برنامه‌ای برای آمریکا برنامه خوبی باشد.
«ولیم کریستول» که یک «محافظه‌کار» آمریکایی و تحلیلگر و مقف سیاسی محسوب می‌شود، مؤسس و سردیر مجله سیاسی «ویکلی استاندارد» است. دونالد ترامپ را یک «سزار» می‌داند که محافظه‌کاری آمریکا همیشه خواسته است از آن اجتناب کند و سؤال می‌کند آیا این وظیفه محافظه‌کاران نیست که یکسره در برابر این «ترایسم» ایستادی کنند و بگویند، بس است؟
«دانا لوش»، محافظه‌کار آمریکایی و مجری برنامه‌های رادیو و تلویزیون، می‌گوید: من بارها در برنامه‌هایم با دونالد ترامپ صحبت کرده‌ام. آدم جالبی است، اما برای ریاست‌جمهوری فرد مورد انتخاب من نیست. دانا لوش معتقد است ترامپ با محدودیت اسلحه موافق است. دانا لوش فکر می‌کند رای‌دادن به ترامپ فادکردن اصل، به‌خاطر شهرت و محبوبیت شخصی است که از اصول محافظه‌کاری فاصله دارد.
منبع: نشنال ریویو



آیا سیاست خارجی «جمهوری‌خواهان» آمریکا را متحد می‌کند

همه در یک صف

پل بونیسِل • ترجمه: نفیسه کریمی

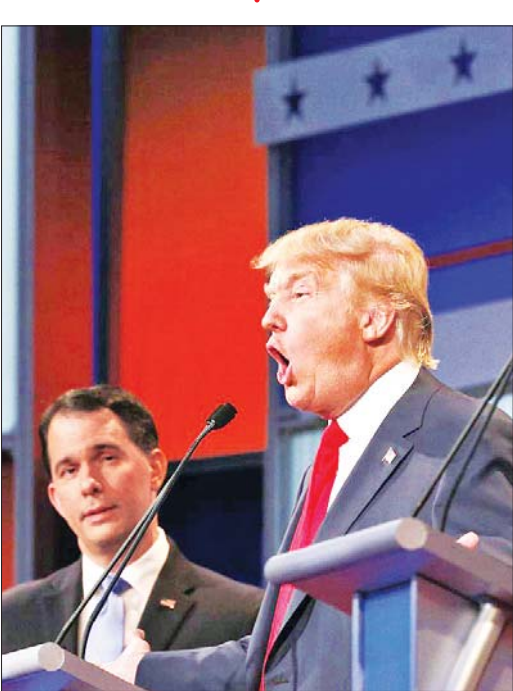
پدرش در گذشته رؤسای‌جمهور آمریکا بوده‌اند، یک‌بار دیگر در پاسخ به پرسشی درباره اظهارنظرهای انتقادآمیز دونالد ترامپ، گفت: «آیا واقعا لازم است که درباره این مردک صحبت کنیم؟ او می‌گوید: اگر شما یک خوک را مرتب شلاق بزنید، دو چیز بیشتر عایدتان نخواهد شد: خودتان را کثیف و خوک را سمج‌تر می‌کنید».

آخرین سؤال نیز مربوط به نحوه نگرش نامزدها در اجرای سیاست خارجی است. اینکه ترکیب یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی موردنظر آنها کدام است و بیشتر به استفاده از کدام ابزار – از دیپلماسی و تحریم گرفته تا عملیات اطلاعاتی و استفاده از نیروی نظامی– گرایش دارند؟

دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در زمینه سیاست‌های داخلی کم‌وبیش تفاوت‌هایی باهم دارند؛ دموکرات‌ها از نظر ایدئولوژی سیاسی به «لیبرالیسم مدرن» باور دارن، طرفدار آزادی‌های مدنی در همه زمینه‌ها هستند (مثلا سقط جنین و ازدواج همجنس‌گرایان)، طرفدار افزایش خدمات دولتی عمومی بوده و معتقدند دولت باید تا حدی در مسائل کلان اقتصادی دخالت کند تا بتواند به برقراری عدالت اجتماعی کمک کند و بر این باورند افرادی که درآمد بیشتری دارند، باید مالیات بیشتری بپردازند. جمهوری‌خواهان اما مشی محافظه‌کارانه دارند و شدیدا راست‌گرا هستند. طرفدار مذهب و ارزش‌های سنتی‌اند (مخالف سقط جنین و ازدواج همجنس‌گرایان)، شدیدا معتقد به بازار آزادند و طرفدار کوچک‌شدن دولت و دخالت‌کردن آن در اقتصاد هستند و با گرفتن مالیات بیشتر از ثروتمندان مخالف‌اند. به‌طور کلی، دموکرات‌ها بیش از رقیبشان طرفدار عدالت اجتماعی و افزایش رفاه طبقات محروم‌تر جامعه هستند.

در عرصه سیاست خارجی، جمهوری‌خواهان طرفدار افزایش بودجه نظامی کشور و طرفدار اقداماتی هستند که به بزرگ‌تر و قدرتمندترشدن ارتش بیفزاید. جمهوری‌خواهان، به‌ویژه آنهایی که جزء نئومحافظه‌کاران هستند، معتقدند آمریکا باید در عرصه خارجي سیاست‌های تهاجمی‌ای را دنبال کند و با کشورهای که مزاحم منافع این کشورند، به‌شدت برخورد کند. سه رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آمریکا در سه دهه اخیر، «رونالد ریگان»، «جورج بوش» (پدر) و «جورج دبلیو بوش» (پسر)، به‌روشنی نشان دادند ایده جمهوری‌خواهان در سیاست خارجی، تهاجمی و جنگ‌طلبانه است و استفاده از نیروی نظامی و تکیه به زور، در اغلب موارد اولویت اصلی آنها برای رفع موانع، یا برای نیل به رؤیای دیرین آمریکایی، یعنی اربابی بر دنیاست. جمهوری‌خواهان معتقدند جنگ سردی بین ایالات متحده از یک سو و روسیه و چین از سوی دیگر در جریان است. ویژگی دیگر جمهوری‌خواهان، قرابت خاص آنها با اسرائیل است. آنها به‌طور همه‌جانبه و بیش از دموکرات‌ها از اسرائیل حمایت می‌کنند و در عمل، کوچک‌ترین حقی برای فلسطینیان قائل نیستند. درباره موضوع ایران، چهره‌های جمهوری‌خواه نئومحافظه‌کار بسیار بیشتر از حزب رقیب، بر استفاده از گزینه نظامی تأکید کرده‌اند و بسیار راحت‌تر از جنگ صحبت می‌کنند.

 	موضوعی که قطعا در مبارزات انتخاباتی تأثیرگذار خواهد بود، بحث <i>خاورمیانه</i> است. هر دو حزب تمایل کمی برای مقابله نظامی تمام‌عیار با <i>داعش</i> در عراق و سوریه دارند. اما در مورد <i>باید‌ها</i> و <i>نباید‌های</i> مقابله با گروه «<i>داعش</i>» بحث‌های داغی وجود خواهد داشت. البته دراین‌میان <i>قطعا</i> موضوعات دیگری مانند <i>قدرت‌گیری چین</i> و <i>سیاست‌های انتقامی روسیه</i> در اوکراین نیز مطرح خواهند شد	
---	---	---



نامزدهای جمهوری‌خواه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی آمریکا در رقابتی قفل شده‌اند که به‌شدت بر موضوعات امنیت داخلی متمرکز شده است و آنان نگاه متمایزی به سیاست‌های گوناگون دارند. اما هر زمانی که درصدد پاسخ‌گویی به رقیب جمهوری‌خواه خود برمی‌آیند، رقبای دموکرات خود را فراموش می‌کنند و نمی‌توانند در مسائل مربوط به سیاست خارجی، از آنان پیشی بگیرند. بنابراین بررسی این موضوع که جمهوری‌خواهان باید بر سر چه سیاست‌های خارجی‌ای با یکدیگر توافق کنند و در تابستان چگونه با اتحاد درون‌حزبی، گوی رقابت را از رقبای خود بربایند، خالی از لطف نیست. جمهوری‌خواهان همگی بر این باورند که با اینکه هفت‌سال سیاست خارجی دموکرات‌ها، برای آنان روند صعودی به‌دنبال داشته است اما حزب رقیب در حال تزلزل است. شمال آفریقا و خاورمیانه اکنون درگیر جنگ داخلی است و جنگ‌های قومی، متحدان واشنگتن را به مخاطره انداخته است. تشکیل دولت جدیدی از ترور، جهان را به وحشت انداخته است و تمامی دولت‌ها به‌ویژه سرنان غربی از وقوع حملتی شبیه آنچه تاکنون روی داده است، در هراسند.

بحران پناهندگان، اروپا را وارد مردابی کرده است. ایران توانست به اهداف هسته‌ای‌اش دست یابد و در ادامه مسیر از هر فرصتی برای تحقیر رئیس‌جمهوری آمریکا استفاده کند. روسیه همچنان اروپا را آزار می‌دهد و بار دیگر به قدرتی برتر در خاورمیانه تبدیل شده است. چین همچنان همسایگانش را تهدید می‌کند و در آفریقا جای پای خود را محکم کرده است، کره‌شمالی نیز بدون هیچ کنترلی در حال توسعه زرادخانه هسته‌ای خود است. کوبا به آغوش گرم رئیس‌جمهوری آمریکا پناه آورده، درحالی‌که هنوز تهدیدی برای واشنگتن به‌شمار می‌رود و شرایط در داخل این کشور نیز تغییری نکرده است. اکثر کشورهای آمریکای‌لاتین نیز هنوز با جرم و جنایت کارتل‌های مواد مخدر و حملات غیرقانونی آنان دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

می‌توان گفت موفقیت نامزدها تا حدود زیادی به پاسخ آنها به این چند سؤال اساسی بستگی دارد؛ نخست اینکه یک نامزد تا چه اندازه، چه در بُعد مطلق و چه در بُعد نسبی، برای سیاست خارجی اهمیت قائل است. اگر نامزدی به مبحث امنیت داخلی و سیاست خارجی به‌عنوان دو روی یک سکه نگاه کند، تا چه اندازه می‌تواند امید پیروزی داشته باشد.

دوم اینکه اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی نامزدها کدامند؟ سنت واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل بر دو موضوع تأثیرگذار بر سیاست خارجی دیگر کشورها و همچنین کمتر اهمیت‌دادن به امور داخلی استوار است. نقطه مقابل این سنت، سنتی قرار دارد که بیشترین اهمیت را برای امور داخلی قائل است، خواه به‌خاطر مسائل اخلاقی و اصولی، یا خواه به‌خاطر این حقیقت که عملکرد دولت‌ها در حوزه سیاست خارجی متأثر از عملکرد داخلی آنهاست. دانشمندان علوم سیاسی بر این باورند که آمریکایی‌ها عموما محافظه‌کار و معتقد و درعین‌حال عمل‌گرا، اجرائی و لیبرال هستند. موضوعات مهم داخلی آمریکا برای رای‌دهندگان در مؤلفه‌های امنیت، تروریسم، مهاجرت، کاهش خشونت، زنان و بهبود شرایط اقتصادی مشترک است و در مناظرات موضوع مهم میزان موفقیت در کسب منابع مالی و جلب نظر شخصیت‌های کلیدی حزب از جمله فرمانداران، سناتورها و صاحبان سرمایه و لابی‌پهودیت است. درحال‌حاضر در بین نامزدهای مطرح جمهوری‌خواه «جب بوش» با اختلاف چشمگیر پیشتاز جلب سرمایه با ۱۳۳میلیون دلار است و در مرحله بعد «تد کروزر» با ۶۵ میلیون دلار، «مارکو روبیو» با ۴۹میلیون دلار و «بن کارسن» با ۳۲ میلیون دلار قرار دارند.

براساس این نگارش ایده‌آل‌گرا، کشورهایی که دموکراتیک هستند و با شهروندانشان بااحترام برخورد می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که به شهروندان کشورهای دیگر نیز احترام بگذارند. البته مشکل اساسی در این بین آن است که اثرگذاری بر رویه داخلی دیگر کشورهای دیگر یک عمل دشوار و بلندمدت است و دراین‌میان چالش‌های فوری جهانی رخ خواهند داد که برای حل‌وفصل آنها، گاه نیاز به کمک‌گرفتن از حکومت‌های نامطلوب است. همواره موضوعات داخلی بیش از سیاست خارجی مورد توجه افکار عمومی آمریکا بوده است البته برخی اولویت‌ها و خطوط قرمز برای سیاست خارجی مطرح می‌شود که امنیت اسرائیل و مقابله با ایران در صدر آن قرار دارند و هر نامزد بالقوه‌ای قول‌هایی را برای حل‌وفصل برخی اختلافات با دول خارجی می‌قول‌های «باراک اوباما» درباره کوبا، توافق هسته‌ای و... ارائه می‌کند. درحال حاضر مناظرات از جذابیت داخلی برخوردار بوده و رکورد بیش از ۴۴ میلیون بیننده تلویزیونی را ثبت کرده است اما طبق ارزیابی هفته‌نامه «اکنومیسیت»، افکار عمومی به‌هیچ‌وجه از فضای عمومی مناظره جمهوری‌خواهان رضایت نداشته و بیشتر آن را به یک نمایش سیرکی تعبیر کرده‌اند.

یک روزنامه فرانسوی در گزارشی به قلم «مایکل میتر» نوشت که در مبارزات تبلیغاتی جمهوری‌خواهان آمریکا برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶، توهمین و تمسخر حرف اول را می‌زند. درحالی‌که چند روز دیگر به انتخابات مقدماتی جمهوری‌خواهان آمریکا برای انتخابات ریاست‌جمهوری آتی این کشور باقی مانده است، فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدهای این حزب از مسیر اصلی خارج و به سمت یک رقابت توهمین‌آمیز منحرف شده و دراین‌میان «دونالد ترامپ»، میلیاردر آمریکایی، بدون کمترین ملاحظه‌ای رقبای انتخاباتی خود را آماج حملات تند و توهمین‌آمیز قرار می‌دهد. جب بوش که برادر و

در قیاس با جمهوری‌خواهان، دموکرات‌ها کمتر طرفدار استفاده از نیروی نظامی هستند و معتقدند آمریکا باید تلاش کند از طریق دیپلماتیک و تا حد ممکن تعامل با دیگر کشورها، مدیریت مورد نظرش بر جهان را اعمال کند و تا حد ممکن تنش‌ها را با رقبایی، مانند چین و روسیه کاهش دهد. آنها چندان معتقد به ادامه جنگ سرد نیستند و تلاش دارند از تقابل با روسیه پرهیز کنند.

پیش‌بینی اینکه رای‌دهندگان آمریکایی چه کسی را به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی خود انتخاب می‌کنند، غیرممکن است، اما این انتخاب قطعا می‌تواند پیامدهای مثبت یا منفی زیادی برای کل جهان داشته باشد. این مسئله بیشتر از هر چیز دیگری بازآباد‌دهنده تداوم واقعیت قدرت آمریکاست و همچنین منعکس‌کننده این واقعیت است که رئیس‌جمهور آینده آمریکا جهانی پرآشوب را به ارث می‌برد.

نمی‌توان به‌آسانی نقش سیاست خارجی را در تعیین مالک آینده اتاق کار رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌بینی کرد. تا انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ هنوز چند ماه دیگر باقی است که تا آن زمان اتفاقات متعددی می‌تواند بر روند انتخابات تأثیر بگذارد. رقبای انتخاباتی برآمده از حزب دموکرات و جمهوری‌خواه نقش مهمی را در یک سال آینده ایفا خواهند کرد. به‌رحال سیاست خارجی نقش کمی در تصمیم مردم خواهد داشت؛ چراکه‌تا به اینجای کار موضوعات اقتصادی و مسائل داخلی بیش از هر موضوع دیگری نزد رای‌دهندگان انتخابات مقدماتی حزب دموکرات اهمیت دارد.

در طرف حزب جمهوری‌خواه نیز تردید و تعدد افراد دیده می‌شود و به نظر می‌رسد سیاست خارجی نقش پررنگ‌تری در انتخاب نامزد این حزب ایفا خواهد کرد. بهبود اقتصاد آمریکا در زمان دولت باراک اوباما، از اهمیت این موضوع نزد رای‌دهندگان کاسته است. در مقابل آشفتنگی‌های موجود در جهان، فرصت بیشتری را برای حمله به دموکرات‌ها و اوباما، در اختیار جمهوری‌خواهان قرار داده است.

موضوعی که قطعا در مبارزات انتخاباتی تأثیرگذار خواهد بود، بحث خاورمیانه است. هر دو حزب تمایل کمی برای مقابله نظامی تمام‌عیار با داعش در عراق و سوریه دارند. اما در مورد باید‌ها و نباید‌های مقابله با گروه «داعش»، بحث‌های داغی وجود خواهد داشت. البته دراین‌میان قطعا موضوعات دیگری مانند قدرت‌گیری چین و سیاست‌های انتقامی روسیه در اوکراین نیز مطرح خواهند شد و استدلال‌های حزب جمهوری‌خواه قطعا دست بالاتر را در این دو موضوع خواهند داشت.

«جرج لاکوف»، استاد زبان‌شناسی دانشگاه «برکلی» در ایالت کالیفرنیا، دراین‌باره می‌گوید: «ترامپ نقش و تأثیر تعیین‌کننده رقابت در آمریکا را درک می‌کند. برنده‌شدن در رقابت، نشان‌دهنده اقتدار و الهام‌بخش احترام است و این یکی از ارزش‌های اساسی مکتب محافظه‌کاری است». او ادامه می‌دهد که دونالد ترامپ از سنسین جوانی تا حدودی شناخته شد، اما با ورود به سنین بالاتر و مطرح‌کردن یک سری از سخنان تند و بدون ارزش موجب شد طرفداران خود را از دست بدهد، به‌گونه‌ای که او در هنگام و پس از توافقی وین خیلی سعی کرد خود را با دوستانش در کنگره همراه کند که در این موضوع هم ناموفق بود، اما بحث اصلی در افت جایگاه ترامپ، موضوع ابعاد شخصیتی او خواهد بود، چراکه در هیچ نقطه‌ای از دنیا، شهروندان و مردمان هیجان را پذیرا نیستند و همگی به‌دنبال یک آرامش و آسایش تثبیت‌شده هستند و به‌نوعی از ادبیاتی که بخواد دوباره هیجان کاذب بر جامعه غالب کند، در هراس هستند.

اما موضوع اصلی این است که طرف جمهوری‌خواه، طرفدار سخت‌گیری بیشتر در سیاست خارجی است و در مقابل هم دموکرات‌ها صحبت‌های خود را مقداری تهدیدآمیزتر مطرح خواهند کرد تا بتوانند مانع جوی شوند که جمهوری‌خواهان ایجاد می‌کنند. متأسفانه موضوعی که شاید در تحلیل اردوگاه و به‌طورکلی وضعیت جمهوری‌خواهان کمتر به آن توجه می‌شود، این است که نامزدهای جناح محافظه‌کاران از وزن سیاسی خاصی برخوردار نیستند. «ریچارد هاس»، تحلیلگر ارشد آمریکایی و رئیس اندیشکده شورای روابط خارجی، در یادداشتی به بررسی انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا می‌پردازد و با تأکید بر اهمیت موضوع سیاست خارجی، می‌گوید: «به نظر می‌رسد سیاست خارجی نقش پررنگ‌تری در انتخاب نامزدها به‌ویژه در حزب جمهوری‌خواه ایفا خواهد کرد». در مقابل آشفتنگی‌های موجود در جهان، فرصت بیشتری را برای حمله به دموکرات‌ها و اوباما، در اختیار جمهوری‌خواهان قرار داده است.

تأثیر مستقیم هرگونه اظهارنظر نامزدها درباره سیاست خارجی بر میزان محبوبیت‌شان نزد افکار عمومی آمریکا از یک سو و جلب حمایت گروه‌های مختلف ذی‌نفوذ سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر، موضوعی انکارناپذیر است. در این دوره از انتخابات آمریکا این موضوع در جبهه جمهوری‌خواهان به‌ویژه با توجه به تعدد اسامی نامزدها در این حزب، نقش بسیار پررنگ‌تری پیدا کرده است. جدای از اهمیت ماهوی آن و با توجه به برخی از تحلیل‌ها و به موفقیت نسبی اوباما در حوزه اقتصادی به‌عنوان برگ برنده دموکرات‌ها، حوزه سیاست خارجی به موضوعی مناقشه‌انگیز و تأثیرگذار در سرنوشت انتخابات تبدیل شده است.

«استاد دانشگاه «ریچنت»

منبع: فارن پالیسی